

## • پلیس و کودکان خیابانی

معضل کودکان بی سرپرست هم به جهت مشکلات خاص این افراد و هم به جهت تاثیر آنها بر جامعه یکی از مسائل در خور توجه محسوب می شود. نیروی انتظامی به عنوان حافظ ثبات و امنیت جامعه از مهمترین ارگانهای دخیل در امور مربوط به کودکان بی سرپرست و سرگردان در خیابانها می باشد. نقش نیروی انتظامی در جمع آوری این کودکان و هدایت آنها به مراکز ذی ربط از دیرباز مورد توجه بوده است. در این قسمت سعی می شود به طرح دیدگاههای نوینی در خصوص رابطه نیروی انتظامی و کودکان خیابانی پرداخته شود.

### الف) نقش نیروی انتظامی در پیشگیری از بروز این معضل

در يك مطالعه در سال ۱۹۹۸ در شهر بیرمنگهام در کشور انگلستان به بررسی مشکلات خانواده ها و بچه های بدون خانه پرداخته شد. در این مطالعه دیده شد که این خانواده ها در ۸۵ درصد موارد به دلیل خشونت همسایه و اعضای خانواده بدون خانه شده اند. در این مطالعه تاکید شده است که پلیس با محافظت از خانواده ها در مقابل خشونت همسایه ها و بستگان نقش مهمی در پیشگیری از بی خانمان شدن خانواده ها به عهده دارد. همچنین انتظار می رود که این اقدام پلیس از گسترش این خشونت ها جلوگیری بکند (۱).

### ب) تاکید بر اهمیت ارتباط نیروی انتظامی و ارگانهای دخیل در امور اجتماعی

در يك مطالعه در سال ۲۰۰۱ در انگلستان مشکلات کودکان بی سرپرست بررسی شد. در این مطالعه دیده شد که کودکان و مادران بی سرپرست که قربانی خشونت های خانگی و خشونت همسایگان قرار می گیرند گروه پرخطری هستند. در بررسی های انجام شده ملاحظه شد که نیازهای روانی این افراد بنا به نوع آسیبی که به آنها وارد می شود متفاوت است. ارائه حمایت های اجتماعی در بهبودی این افراد عامل بسیار مؤثری است، به ویژه حمایت افراد متخصص و اعضای خانواده.

در پایان این مطالعه نتیجه گیری شده بود که مداخله لازم برای قربانی های این خشونت ها باید به صورت برنامه هایی اجتماعی باشند که در آنها افراد متخصص رابطه کاری نزدیکی با ارگانهای تامین کننده سرپناه، خدمات اجتماعی و آموزشی و پلیس داشته باشند (۲).

### ج) لزوم هوشیاری و نظارت بر عوامل تحت امر نیروی انتظامی بر منظور پیشگیری از

#### خشونت ورزی این نیروها علیه کودکان خیابانی

سازمان حقوق بشر در يك ارزیابی (۳)، نکات تکان دهنده ای را پیرامون خشونت ورزی پلیس علیه کودکان خیابانی در بعضی از کشورهای دنیا ذکر کرده است. این گزارش به این لحاظ ذکر می گردد که بیانگر وجود چنین خطرات بالقوه ای باشد تا در نتیجه به منظور پیشگیری از این مسائل ذکر شده و یا در صورت وجود کشف و رفع آنها بیش از پیش اهتمام ورزیده گردد.

### گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر:

بتو يك پسر ۱۵ ساله اهل گواتمالاست. او تعریف می کند:

«پلیس با ما رفتار بدی دارد. آنها ما را کتک می زنند بدون این که دلیلی داشته باشند، فقط به خاطر این که خوششان می آید. آنها بارها من را کتک زده اند با اسلحه یا باتومشان به کمر و شکم من زده اند.

بعضی وقت‌ها هم شکم ماها را نشگون می‌گیرند. یا بعضی وقت‌ها چسب مایع ما را که برای چسباندن اعلامیه‌های تبلیغاتی داریم از ما می‌گیرند و آن را روی سر ما می‌ریزند. آنها این کار را پنج مرتبه با خود من انجام داده‌اند. این کار واقعاً اذیت‌کننده است. چسب توی چشمانمان می‌رود و باعث ایجاد احساس سوزش در چشم‌هایمان می‌شود و در حدود نیم ساعت نمی‌توانیم هیچ‌جا را ببینیم.»

احتمال این که بچه‌های خیابانی مورد خشونت نیروهای نظامی قرار بگیرند خیلی زیاد است. بچه‌های خیابانی کتک زده می‌شوند، از لحاظ جنسی مورد آزار قرار می‌گیرند و بعضی وقت‌ها کشته می‌شوند. عوامل متعددی با این پدیده ارتباط دارند. پلیس آنها را افرادی مجرم و بزهکار می‌شناسد و خشونت در بسیاری از کشورهای دنیا در میان نیروهای پلیس رواج دارد. همچنین از لحاظ قانونی نقص‌ها و کمبودهایی در جهت دفاع از این افراد وجود دارد و بعضاً نیروهای پلیس خود را مقابل قانون مصون می‌دانند.

بچه‌های خیابانی قربانی‌ها و اهداف سهل‌الوصولی هستند زیرا کم سن‌اند، اغلب ضعیف و کوچک‌اند و از حقوق خودشان بی‌اطلاعند و غالباً هیچ فرد بزرگسالی هم وجود ندارد که مسئولیت مراقبت از آنها را به عهده داشته باشد. همچنین در خیلی از موارد انگیزه‌های مالی برای آزار این کودکان نیز موجود است. ممکن است سربازان پلیس ازین بچه‌ها تقاضای باج و رشوه بکنند تا آنها را از آزار، جریمه و حبس رها بکنند.

در بلغارستان پلیس به آزار و کتک زدن بچه‌های خیابانی می‌پردازد و آنها را از پناهگاه‌ها و محل‌های امن بیرون می‌راند و با باتوم‌های الکتریکی مورد اصابت قرار می‌دهند، سطل‌های چسب را بر سر و روی آنها می‌ریزد و با گاز اشک‌آور آنها را هدف قرار می‌دهند. افراد پلیس پول این بچه‌ها را می‌دزدند و دختران خیابانی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

در سال ۱۹۹۶ با چندین دختر نوجوان مصاحبه شد و دیده شد که در اغلب موارد سربازان پلیس از آنها تقاضای تن دادن به اعمال قبیح را داشته‌اند، آنها گفتند که بعضی از دخترها به این تقاضاها تن می‌داده‌اند ولی بیشتر آنها فرار می‌کردند یا جیغ می‌زدند. دختران کولی بیشترین گروهی بودند که مورد این آزارها قرار می‌گرفته‌اند. از یک افسر پلیس پرسیده شده بود چرا این دخترها کولی از نیروهای پلیس هراس دارند، او پاسخ داد: «آنها اهل بلغارستان نیستند. آنها کولی هستند.»

هزاران نفر از کودکانی که در خیابانهای گواتمالا زندگی می‌کنند به طور روزمره مورد آزار جنسی، کتک خوردن و سرقت از سوی پلیس ملی و نیروهای محلی قرار می‌گیرند. در سال ۱۹۹۶ نیروهای بررسی حقوق بشر اظهار داشتند که تقریباً تمام کودکانی که مورد بررسی قرار گرفتند مکرراً مورد آزار و سرقت از سوی پلیس قرار گرفته‌ بوده‌اند. این اعمال هم در خیابانهای پر رفت و آمد و در روز روشن صورت می‌گرفتند و هم در کوچه‌ها و مکان‌های خلوت و در نیمه شب‌ها و حتی در کلانتری‌ها. این مسائل غالباً در مقابل دیدگان سایر نیروهای پلیس و یا رهگذران رخ می‌دهند. یک کودک نه ساله تعریف می‌کرد:

«پلیس هر روز ما را اذیت می‌کند. آنها ما را می‌زنند و پول کفش و ژاکت ما را می‌دزدند. اگر چیزی را که می‌خواهند به آنها ندهیم آنها به شدت ما را کتک می‌زنند و یا ما را دستگیر می‌کنند. ما نمی‌توانیم چیزی بگوییم وگرنه آنها ما را شدیدتر می‌زنند.»

دختران در خیابان‌ها علاوه بر آن مسائل، مستعد حملات جنسی هستند. سوزان اف يك دختر ۱۶ ساله است که ذکر می‌کرد توسط ۲ افسر پلیس مورد تجاوز قرار گرفته است در حالی که يك افسر سوم شاهد این ماجرا بوده است. او مقداری ماری‌جوانا همراه خود داشته است و به همین خاطر افسران پلیس او را تهدید کرده بودند که اگر مجرای تجاوز را به کسی بگوید او را به زندان خواهند برد. این دختر عقیده داشت که: «من مطمئن‌ام این اتفاق برای خیلی از دخترهای دیگر هم افتاده است. اما معمولاً آنها به هیچ کسی در این مورد چیزی نمی‌گویند. در خیابان‌ها مسائل زشتی رخ می‌دهد.»

بسیاری از بچه‌های خیابانی در گواتمالا بدون این که پیگیری شود کشته شده‌اند. در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۶ يك پسر ۱۶ ساله به نام رونالد رال راموس توسط يك افسر پلیس که مست بود هدف قرار گرفت و کشته شد. بیش از ده بچه دیگر در گواتمالا در همان سال با شریط مشکوکی کشته شدند.

در هندوستان، جایی که بیش از ۱۹ میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی و کار می‌کنند، بچه‌های خیابانی به طور روزمره مورد آزار و برخورد غیرقانونی نیروهای پلیس قرار می‌گیرند. در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ سازمان نظارت بر حقوق بشر با صد کودک مصاحبه کردند و دریافتند که آنها از پلیس می‌ترسند و شصت نفر از آنها گزارش کردند که توسط نیروهای پلیس مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

يك پسر پانزده ساله به نام پراکش در هندوستان گزارش می‌کرد که يك بار در راه آهن توسط پلیس بیدار شده بود و همراه با سه کودک دیگر به ایستگاه پلیس برده شده بود. در آنجا افسران پلیس او را روی زمین خواباندند و روی دستهای او ایستادند. همین وضعیت برای سایر بچه‌ها هم ایجاد شده بود. در این مدت پلیس مرتباً به آنها توهین می‌کرده است. صبح روز بعد همه بچه‌ها به جز راکش به مراکز نگهداری فرستاده شدند زیرا آثار ضرب و جرح در بدن راکش مشهود بود و آنها او را نفرستادند تا مبادا کسی پیگیر اقدامات آنها بشود.

بچه‌های خیابانی در کنیا آزارهای مشابهی را تجربه می‌کنند. در سال ۱۹۹۶ در بررسی سازمان حقوق بشر مشخص شد که گاهی پلیسی بدون هیچ دلیلی به خشونت ورزی نسبت به کودکان اقدام می‌کند.

يك دختر اهل کنیا تعریف می‌کرد که:

«افسران پلیس اسامی ما را بلدند، ما را به اسم صدا می‌کنند و ما را تهدید می‌کنند و مورد توهین کلامی و جسمی قرار می‌دهند، آنها آزارهای جنسی را هم انجام می‌دهند.»

این مسأله برای منم اتفاق افتاده است. چهار افسر پلیس من را دستگیر کردند. من را به طرف ایستگاه پلیس بردند وسط راه من را به يك پارک بردند یکی از آنها من را زمین انداخت و بعد یکی دیگر از آنها من را نگهداشت و دیگری به من تجاوز کرد. بعد من را به ایستگاه پلیس بردند و بعد بدون هیچ اقدامی من را رها کردند.»

بنابراین گذشته از وظایف شناخته شده نیروی انتظامی در راستای رسیدگی به امور کودکان خیابانی، نیروی انتظامی می‌تواند:

۱. با رسیدگی بیشتر به پدیده خشونت خانگی در پیش‌گیری از بروز معضل کودکان خیابانی نقش بیشتری داشته باشد.

۲. با افزایش ارتباطات و همکاری خود با ارگانهای مسؤل و افراد متخصص نقش مثبت خود را در برخورد با این پدیده بیش از پیش ارتقا بخشد.

بررسی گردد که یا سوءرفتار با کودکان خیابانی در میان عناصر تحت امر نیروی انتظامی وجود دارد یا نه و در صورت وجود برای ریشه‌کنی و پیش‌گیری از این پدیده شوم و مجازات عاملین آن تمهیداتی اتخاذ شود.

ماخذ: سایت نیروی انتظامی